



دانشکده علوم حدیث (قم)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر

عنوان

نقد و بررسی دیدگاه اخباریان درباره امکان سنجی

تفسیر قرآن، بدون روایات معصومان علیهم السلام

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین

دکتر محمد علی مهدوی راد

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین

دکتر محمد تقی سبحانی نیا

دانشجو

محمد رضا آرمیون

بهمن ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث می باشد.

تقديم:

به حق كه در ذات و فيض جز او نيست و
ديگري شايسته‌ي تقديم نيست.

سپاس‌گذاری:

از خدا که سخنش سرآمد نعم بی‌پایانش است و از رسولش، که قلبش
مأمن امن کلامش است و از جانش، که امیر مؤمنین به کتابش است و از
پاره‌ی تنش، که ظرف نزول قرآنش است و از فرزندان و آموزگاران پاکش!

چکیده:

بررسی تاریخی جریان حدیث پژوهی، ادعای اخباریان مبنی بر جدید و قدیم داشتن این تفکر را تأیید می‌کند و اخباریگری به عنوان منش واحدی در بین بزرگان این دو گروه شناخته می‌شود. انگیزه‌ی اصلی این جریان، بازسازی جایگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام در علوم دینی، بوده است. زاویه‌ی بحث در این تحقیق، بررسی ادعای مشهور مبنی بر عدم پذیرش ظواهر قرآن، از سوی عالمان این جریان است. ما در این پژوهش برخلاف این شهرت به نتیجه رسیدیم که این انتساب درست نمی‌باشد و رمز این دستاورد را در تفکیک اظهارات بزرگان این گروه در فقه و تفسیر دانسته‌ایم. غفلت از شناسائی جریان‌های هم عصر اخباریان جدید، سبب شده که جهت تندی سخن آنان در رابطه با فهم قرآن، دانسته نشود. رویکردهای عقلی و عرفانی در آن روزگار شیوع یافته بود و آنها این مسأله را در ارتباط با قرآن خطرناک می‌دیدند. بر این اساس ادعا این است که اخباریان در رابطه‌ی با قرآن دو دغدغه داشته‌اند؛ اول اینکه در فقه نباید آیات الأحکام را با صرف اتکا به عقل، بدون در نظر گرفتن روایات، مطرح ساخت. دوم اینکه در تفسیر نیز نباید به تأویلات عرفانی با تکیه بر کشف درونی، وارد شد. این نگرانی اخباریان نسبت به قرآن، هیچ ارتباطی با پذیرش و یا عدم پذیرش ظواهر قرآن ندارد و عالمان بزرگ این مکتب ظواهر قرآن را قبول دارند. این ادعا بر ظاهر سخنان آنان استوار است ولی این، به معنای این نیست که اخباریان جدید دارای تفاوت و سطوحی در تعامل با قرآن نیستند. در راستای اثبات این ادعا ما معتقدیم که ابتدا تأثیر گذاری این مکتب، در دو بخش تعامل با قرآن و تعامل با روایات، باید از هم تفکیک شود که این تفکیک موجب این خواهد شد که نقد آنان در بخش قرآن، به درستی صورت پذیرد. بعد از آن، لازم دیده شد، برای دستیابی به ارزیابی صحیح، هر یک از آنان در سه سطح تند و میانه و اخبارگرا در نظر گرفته شوند تا تفاوت‌های گوناگون آنان در ارتباط با قرآن به خوبی مشاهده گردد. این ساختار نمودار گونه، امکان سنجی تفسیر قرآن را در نظر هر یک از بزرگان آنان، نمایان نموده است. نکته‌ی مهمی که امتیاز این پژوهش قلمداد می‌شود، این است که این نقد و بررسی و بیان دیدگاه‌ها، متکی و مستند بر متون و عبارات‌های بزرگان نامبرده در این تحقیق می‌باشد.

کلید واژه: قرآن، اخباریگری، اخباریان، امکان، تفسیر

«فهرست مطالب»

مقدمه ۱

۱- فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱.۱- کلیات	۸
۱.۱.۱- بیان مسأله تحقیق	۸
۱.۱.۲- اهمیت و ضرورت	۸
۱.۱.۳- سؤالات تحقیق	۱۱
۱.۱.۴- فرضیات تحقیق	۱۲
۱.۱.۵- پیشینه تحقیق	۱۲
۱.۱.۶- اخباری یا اخباریه	۱۳
۱.۱.۷- اخباری‌گری و اخبار‌گرایی	۱۷
۱.۱.۸- تفسیر	۱۸
۱.۱.۸.۱- تفسیر اخباری	۱۹
۱.۱.۸.۲- دامنه‌ی تفسیر اخباری	۲۰
۱.۱.۸.۳- فرق تفسیر اخباری و اصولی	۲۱
۱.۱.۸.۴- ویژگی‌های تفسیر اخباریان	۲۴
۱.۱.۸.۵- اخباریان و ظواهر قرآن	۲۶
اول: دیدگاه اصولیان (تقابل مطلق)	۲۶
دوم: دیدگاه برخی از مفسران (نزاع لفظی)	۲۷
سوم: تفاوت بین اخباریان	۲۹

۲- فصل دوم: تاریخچه‌ی اخباری‌گری

۲.۱- مقدمه	۳۴
۲.۲- زمینه‌ها و بسترها	۳۴
۲.۲.۱- به حاشیه رفتن مفسران حقیقی	۳۶
۲.۲.۲- به حاشیه رفتن تفسیر قرآن	۳۷
۲.۲.۲.۱- برداشت نادرست از تفسیر قرآن	۳۸
۲.۳- روش‌ها و گرایش‌ها	۴۱
۲.۳.۱- تفاوت بین دانش آموختگان	۴۱
۲.۳.۲- ساختار مدرسه‌ی حدیثی قم	۴۶

۴۹	۲.۳.۲.۱- نقش مدرسه‌ی حدیثی کوفه در شکل‌گیری ساختار مدرسه‌ی قم و بغداد
۵۱	۲.۳.۳- ساختار مدرسه‌ی حدیثی بغداد
۵۳	۲.۳.۳.۱- عوامل شکوفایی بغداد
۵۳	۲.۳.۴- تفاوت حدیث پژوهی در قم و بغداد
۵۵	۲.۳.۵- نهضت علمی شیخ مفید
۵۵	۲.۳.۵.۱- تفکیک بین اصل و طریق
۵۸	۲.۳.۵.۲- اتهام به سنی‌گری
۶۳	۲.۳.۱- شدت گرایش عقلی در مباحث کلامی سید مرتضی
۶۸	۲.۳.۲- ظهور شیخ طوسی
۷۰	۲.۳.۳- عنوان اهل الأخبار یا اخباریان
۷۲	۲.۴- رویکردها و عملکردها
۷۲	۲.۴.۱- بزرگ‌نمایی دلیل عقل
Error! Bookmark not defined.	۲.۴.۲- تدوین علم درایه و رجال
۷۵	۲.۴.۳- صوفی‌گری
۸۰	۲.۴.۴- بازگشت مجدد به حدیث:
۸۲	۲.۵- مراحل اخباریگری نو
۸۲	۲.۵.۱- مرحله اول: مؤسسين اخباریه
۸۳	۲.۵.۲- مرحله دوم: مرحله اعتدال
۸۴	۲.۵.۳- مرحله سوم: اخباریه تندرو

۳- فصل سوم: مبانی تفسیری اخباریان

۸۸	۳.۱- مقدمه
۹۱	۳.۲- مبانی تفسیری اخباریان
۹۱	۳.۲.۱- مبانی اول: قرآن سخن خداست.
۹۵	۳.۲.۲- مبانی دوم: قرآن معجزه جاوید و جاودانه است.
۹۷	۳.۲.۳- مبانی سوم: قرآن یک متن آموزشی است.
۱۰۷	۳.۲.۴- مبانی چهارم: امکان فهم ظواهر قرآن وجود دارد.

۴- فصل چهارم: مراتب اخباریان

۱۲۰	۴.۱- مقدمه
۱۲۲	۴.۱.۱- بخش اول: تعامل با قرآن
۱۲۳	۴.۱.۱.۱- دیدگاه تند

۱۲۴.....	۴.۱.۱.۲- دیدگاه میانه
۱۲۶.....	۴.۱.۱.۳- دیدگاه اخبار گرایانه
۱۲۸.....	۴.۱.۲- بخش دوم: تعامل با روایات
۱۲۹.....	۴.۱.۲.۱- دیدگاه تند
۱۳۱.....	۴.۱.۲.۲- دیدگاه میانه
۱۳۴.....	۴.۱.۲.۳- دیدگاه اخبار گرایانه

۵- فصل پنجم: نقد دیدگاه تفسیری اخباریان

۱۴۲.....	۵.۱- مقدمه
۱۴۴.....	۵.۲- نقد دیدگاه تند
۱۴۴.....	۵.۲.۱- حلی
۱۵۱.....	۵.۲.۲- نقضی
۱۵۱.....	۵.۲.۲.۱- مورد اول
۱۵۳.....	۵.۲.۲.۲- مورد دوم
۱۵۵.....	۵.۲.۲.۳- مورد سوم
۱۵۷.....	۵.۳- نقد دیدگاه میانه
۱۵۷.....	۵.۳.۱- حلی
۱۶۳.....	۵.۳.۲- نقضی
۱۶۳.....	۵.۳.۲.۱- مورد اول
۱۶۴.....	۵.۳.۲.۲- مورد دوم
۱۶۵.....	۵.۳.۲.۳- مورد سوم
۱۶۶.....	۵.۴- نقد دیدگاه اخبار گرایانه
۱۶۶.....	۵.۴.۱- حلی
۱۷۵.....	۵.۴.۲- نقضی
۱۷۸.....	۶- نتایج پایانی و پیشنهادها
۱۸۳.....	۷- کتابنامه
۱۸۳.....	۷.۱- عربی
۱۸۹.....	۷.۲- فارسی
۱۹۱.....	۷.۳- مقالات

مقدمه

امروزه با گسترش علوم و نیازهای جدید همواره شاهد تحول و تنوع ساختار و روش‌های علمی هستیم که در شکل‌ها و شاخه‌های جدید عرضه می‌شوند. سنت و حدیث نیز از این دایره مستثنی نیست و در طول تاریخ دگرگونی‌های بسیاری یافته است. رشد علوم مرتبط به حدیث در گذشته نیز به گونه‌ای بوده است که برخی نویسندگان، علوم و فنون پیرامون حدیث را ۵۲ نوع^۱ و حتی در برخی از آمار تا ۶۴ نوع فن^۲ نیز گزارش شده است. یکی از شاخه‌های علوم حدیث، تاریخ حدیث است که بحث از حوزه‌ها و مکاتب حدیثی از مهم‌ترین مسائل این شاخه از علم الحدیث می‌باشد. بدین منظور در این مباحث از تأثیرات و کارکردهای مراکز جغرافیایی مختلف و از روش‌های حدیث پژوهی هر منطقه سخن به میان می‌آید. در دسته بندی جریان‌ها و مکتب‌ها، سه گرایش عمده نام برده شده است؛ نص‌گرایان، عقل‌گرایان، باطن‌گرایان. از این سه دسته دو دسته‌ی نخست از اصالت و صلابت بیشتری برخوردار بوده‌اند و دسته سوم با تلفیقی از روش‌های آن دو دسته و افزودن تأویلات و مکاشفات درونی، خود را در این عرصه مطرح نموده‌اند. از جمله مدارسی که در نص‌گرایی سرآمد بوده و این گرایش در آن متبلور شده است، مدرسه‌ی حدیثی قم می‌باشد. بررسی‌ها حکایت از این دارد که این گونه‌ی حدیث پژوهی به موازات جریان علمی اهل بیت علیهم‌السلام از اصالت و دیرینگی برخوردار است. تلاش‌های گسترده و خدمات شایانی که با تنظیم و تبویب احادیث و عرضه‌ی جامع نگاری‌ها از سوی محدثان این مکتب انجام شد، گام بلندی در تثبیت و ماندگاری حدیث بود. در این راستا مدرسه‌ی بغداد با ویژگی‌های مختص به خود در حال شکل‌گیری بود و بر اساس بافت جغرافیایی و تنوع بومی‌آن، با سمت و سوی روش مدرسه‌ی قم تفاوت داشت. بغداد که در قرن چهارم به عنوان پایتخت سیاسی عباسیان و دیلمیان^۳ (آل بویه) مورد توجه دانشمندان علوم مختلف قرار داشت، گرایش به عقل و تحلیل در آن بیشتر از نقل و تنصیص بود. در این شرایط محدثان قم با

۱. حاکم نیشابوری در کتاب معرفة علوم الحدیث، دلیل جمع آوری انواع علم الحدیث را کثرت بدعت‌ها و کمی معرفت به اصول حدیث، دانسته است. (ابی عبدالله محمد بن عبدالله، الحافظ النیسابوری، معرفة علوم الحدیث، سید معظم حسین، ام‌ای، دی - فل(اکسن)، حیدرآباد - دکن، دائرة المعارف العثمانیه، سوم، ۱۴۰۱ق، ص ۲)

۲. ابن صلاح در مقدمه، بعد از نام بردن از تمامی این علوم، مدعی است که شمارش و احصاء علوم حدیث نا ممکن است و حالات گوناگون دیگری را می‌توان به صورت مستقل مطرح ساخت. (أبو عمرو عثمان بن عبد الرحمن الشهرزوری الدمشقی، معرفة علوم الحدیث، أبومعاذ طارق بن عوض الله بن محمد، قاهره، دارابن القیم و عفان، اول، ۱۴۲۹ق، ص ۵۳)

۳. آل بویه به نام دیلمیان و دیالمه نیز مشهور بوده‌اند. (دکتر پرویز، ادکائی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، تهران سازمان دائرة المعارف تشیع، دوم، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۵۳)

مهاجرت به این شهر و برقراری کرسی درس و عرضه‌ی حدیث، بر رونق علوم نقلی آن دیار افزودند. مدرسه‌ی بغداد نیز با تعامل مثبت با دستاوردهای ارزشمند مدرسه‌ی حدیثی قم، در تعدیل برخی از دیدگاه‌های آنان کوشید به طوری که نتیجه‌ی این برخوردها موجب افزایش و گسترش دامنه‌ی علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام گردید. در این تعامل سازنده علاوه بر توسعه‌ی فروع فقہی زمینه‌ی تخصصی شدن گرایش‌های کلامی و تفسیری نیز فراهم شد. این تحول، موجب شد که دو گانگی بین این دو روش حدیث‌پژوهی تا حدودی از بین برود و ویژگی‌های مثبت هر دو جریان نص‌گرایی و عقل‌گرایی، با سکان داری شخصیت بزرگی مانند شیخ طوسی رحمته‌الله ثمرات ارزشمندی در فقه و تفسیر و رجال به بار آورد. ولی بعد از گذشت نیم قرن رویکردهای عقلی بر علوم دینی سایه افکند و ضرورت‌هایی سبب ابداع فنون جدیدی همچون درایه، گردید. از طرفی دیگر پیچیدگی و تنوع علوم که بر اساس سلطنت و حکومت عقل، رو به افزایش بود، نیاز به خودکامی و درون‌گرایی را تحت الشعاع خود ساخته بود. در این فضا گرایش باطن‌گرایی با ظرافت و انعطاف خاصی نبض معارف دین را به دست گرفت و با ارائه‌ی نوشته‌ها و سخنان عرفانی، از این فرصت کمال استفاده را برد. برآیند این دو جریان عقلی - عرفانی کم رنگ شدن نقش روایات در بین دانش‌پژوهان دینی بود.

در این بین، نص‌گرایی و اخباری‌گری که به عنوان گرایش اصیل، خود را در خدمت روند درست عقل‌گرایی قرار داده بود، با مواجهه با این رویکردها تاب نیاورد و بار دیگر با احساس خطر نسبت به جایگاه ارزشمند میراث گرانبهای نبوت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یعنی احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت علیهم‌السلام وارد صحنه شد. برای فتح بازار پر تلاطم فرهنگ و اندیشه، نیازمند جو شکنی و جریان‌سازی است و ابزار آن نیز در عرصه‌های علمی، صراحت بیان و بی‌پرده سخن راندن است. استرآبادی که سرآمد بزرگان این جریان فکری به حساب می‌آید، با صراحت در لهجه و غلظت در تعبیر، سخن خود را به هر شکلی بود، به گوش اندیشمندان و عالمان آن روزگار رساند. میزان تأثیر این سخنان به گونه‌ای بود که بزرگانی همچون مجلسی اول و فیض کاشانی و شیخ یوسف بحرانی، با گرایش‌های مختلف فقہی و عقلی و عرفانی، به آن تمایل پیدا کردند و روش خود را بر اساس، آن استوار ساختند.

تصویری که از این دوران و تقابلی که بین اصولیان و اخباریان ایجاد شد، در برخی از نوشته‌های تاریخ نگاری، ثبت شده است ولی مقابله‌ی علمی نظریات این دو جریان بیش از آنکه در یک فضای آرام و براساس هم‌اندیشی و هم‌افزایی علمی انجام پذیرد، در غالب موارد به صورت غیر مستقیم و همراه سوءمفاهماتی بوده که

واسطه‌گری دلّالان سخن نیز، بر غبار آن، افزوده است. اشخاصی از هر دو گروه نیز گاهی خواسته‌اند این اختلاف‌ها، رخ‌نمایی کند و دائماً به دست عوام جوی را علیه طرف مقابل به راه انداخته‌اند تا از رقیب خود بازمانند. برخی نیز با شمارش اختلاف‌های بین این دو گروه، به دنبال افزایش ارقام آنان بوده‌اند. در چنین فضایی جز بر ابهام و پیچیدگی نظر مقابل، ثمره‌ای عائد نخواهد شد.

مشهور است که اخباریان به ظواهر قرآن بدون روایات معصومان علیهم‌السلام اعتمادی ندارند و به طور کلی آن را نمی‌پذیرند. صرف نظر از اینکه این مبنا در سخنان اصولیان مورد انتقاد شدید قرار گرفته، سؤال این است که آیا پشتوانه‌ی این مبنا، فکر و اندیشه و برداشت یک و یا چندین دانشمند، نبوده است؟ اگر این چنین است، آیا نباید، به خواستگاه و آنچه در نظر آن‌ها رخ داده، بها و ارزش داده شود و تبیین مناسبی از دغدغه و نگرانی‌شان صورت گیرد؟ مگر اینگونه نیست که در مقام نقد و نظر اندیشه‌های مخالف، برای رعایت جانب انصاف، لازم است تا جای امکان، نظریات متقابل به وجهی و صورتی حمل شود؟ و چه بسیاری از نظریاتی که در بادی نظر، متخالف و متضاد دیده می‌شوند ولی با صبر و حوصله و درک متقابل، محمل و مجرای واحدی پیدا نموده‌اند!

بدین منظور ما در این نوشته خود را در خدمت سخنان اخباریان قرار دادیم تا در یک فضایی نظیر کرسی‌های نظریه‌پردازی، شنونده‌ی دیدگاه آنان در خصوص تعامل با قرآن، باشیم و بتوانیم نظر آنان را ابتدا به درستی فهم و سپس به راستی نقد کنیم. امری که به نظر می‌رسد جای آن در بین پژوهش‌های پیرامون این دو مکتب حدیثی خالی بوده است. این صبر و حوصله، ما را به همان دستاوردی که انتظار داشتیم، رسانید و روشن شد که بسیاری از این انتساب‌ها صحیح نمی‌باشد؛ چنانچه در نوشته‌ای که از عالمی به نام فرج العمران رسیده است، ایشان خود را در صدد مفاهمی نظر اخباریان و اصولیان قرار داده و با دقت در اینکه دغدغه‌ی اخباریان استنباط احکام شرعی بوده، سخن آنان را اینگونه توجیه نموده است:

«و این را هم بدان که بیشتر آیات الأحکام، احتیاج به بیانی از معصومان علیهم‌السلام دارد چرا که

این آیات مشتمل است بر عام و مطلق و مجمل و دیگر مواردی که به شرح و بیان نیازمندند به ویژه اینکه نزد علما مشهور شده است که "هیچ عامی نیست مگر اینکه تخصیص خورده است." بنابراین بزرگترین دلیل برای استنباط احکام شرعی همان اخبار منتسب به معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. بدین ترتیب فرق بین اخباری‌ها و اصولی‌ها از بین

می‌رود حتی نسبت به محدث امین استرآبادی که نظرش حجت نبودن ظواهر کتاب است.^۱

هر چند در این نوشته، فضایی متفاوت از موضوع سخن ما، در نظر نویسنده بوده و ایشان با رویکردی فقهی - استنباطی در این رابطه قلم زده است که در محلش باید مورد نقد و جرح قرار گیرد، ولی نتیجه‌ی این ماده از مواد چهارده گانه‌اش، در راستای مسیر این پژوهش قرار دارد. یکی از روزنه‌هایی که فهم نظر اخباریان پیرامون تعامل با قرآن، را برای ما آسان می‌نماید، تفکیک بین سخنان آنان در قلمرو فقه و تفسیر است. ایشان در واقع با این توضیح و به ویژه اشاره‌ای که به نظر استرآبادی در انتهای این ماده، نموده‌اند، خواسته‌اند بر روی این نکته دست بگذارند که بالأخره، استرآبادی نیز بعد از فحص از قرائن در بیان اهل بیت علیهم‌السلام، به آیه عمل می‌کند و این با کلیت سخنش پیرامون حجت نبودن ظواهر کتاب سازگاری ندارد؛ پس مقصودش اشاره به همین دقت‌های یک فقیه در بررسی حکم شرعی قبل از فحص می‌باشد و در فضای فقهی سخن می‌گوید.

همانطور که اشاره شد، ما نیز در طول این نوشته بر اساس چنین دقت‌هایی، به دنبال رصد خواست و هدف نگارنده بوده‌ایم. ابتدا در فصل دوم برای اثبات دیرنگی و اصالت این مدرسه و مکتب حدیثی به تاریخچه‌ی این گونه‌ی حدیث پژوهی پرداخته‌ایم و سپس در فصل سوم، مبانی تفسیری اخباریان را به بحث نشستیم. در این فصل برخلاف مشهور، ادعای پذیرش ظواهر قرآن را از سوی اخباریان، با توجه به سخن بزرگان و مفسران اخباری، مطرح نموده‌ایم. در فصل چهارم، برای هموار نمودن پذیرش این ادعا، با تفکیک قلمرو سخنان آنان، اظهارات اخباریان را در دو بخش تعامل با قرآن و روایات، به صورت جداگانه مطرح نموده‌ایم. از آنجا که بین اخباریان نیز تفاوت‌های مختلفی در شدت و ملایمت دیدگاه‌ها در هر دو بخش احساس می‌شد، نظر آنان را در سه سطح تند و میانه و اخبارگرا، به مشاهده در آوریم تا تفاوت بین خود آنان نیز همچون منتسبان به دیگر مکتب‌ها و گرایش‌ها به نمایش آورده شود. با این ساختار نظامند توانستیم، منظور و سخن اخباریان را در بخش‌های مختلف و در سطوح متفاوت به درستی تبیین کنیم. فصل پنجم نیز با توجه به عنوان پایان نامه، نوبت به نقد و بررسی دیدگاه اخباریان درباره‌ی امکان سنجی تفسیر قرآن بدون روایات معصومان علیهم‌السلام رسید. بدین منظور با کمک از مباحث فصول گذشته، چاقوب نقد را نیز در دو بخش حلی و نقضی، مطرح ساختیم. در هر دوی این بخش‌ها نیز با تکیه بر اصل مفاهمه، ابتدا خواستگاه نظر را کشف و سپس آن را نقد و ارزیابی نمودیم.

۱. الأصوليون و الأخباريون فرقة واحدة، نجف، الحیدریه، ۱۳۷۵ق، ص ۳۲.

امید است با تلاشی که با هدایت و راهنمایی اساتید بزرگووارم، حجج اسلام دکتر مهدوی راد(دام عزه) و دکتر محمد تقی سبحانی(دام عزه) صورت پذیرفت، و با ارشاداتی که استاد عزیزم دکتر سید علی رضا حسینی(دام عزه) و حجة الإسلام سید محمد کاظم طباطبایی(دام عزه) در روند تدوین رساله داشتند، این اثر بتواند نظر اساتید و دانش پژوهان عرصه‌ی دین را به خود جلب کند. پیشاپیش و بر مبنای اعتقادم، نقد سازنده و دلسوزانه‌ی همه‌ی اهل علم و اندیشه را بر خود خریدارم.

۱- فصل اول:
کلیات و مفاهیم

۱.۱- کلیات و مفاهیم

۱.۱.۱- بیان مسأله تحقیق

اخباری‌ها را نمی‌توان یک جریان منسجم و یکپارچه دانست؛ چرا که در بین دانشمندان این جریان فکری مراتب مختلفی وجود دارد. هر چند نگاه عمومی نسبت به آنان به شکل کلان انجام می‌شود ولی تأثیرگذاری بزرگان این جریان نسبت به تفسیر قرآن متفاوت بوده است. ما در این پایان‌نامه با رویکرد امکان‌سنجی تفسیر قرآن بدون روایات معصومان علیهم‌السلام به پای سخنان اخباریان می‌نشینیم و به دنبال بیان نظر آنان پیرامون ظواهر قرآن هستیم.

آنچه که از ظاهر برخی از تعبیرات علماء اخباری بر می‌آید، آیات قرآن را جز با روایت معصومین علیهم‌السلام قابل فهم و تفسیر نمی‌دانند، برخی دیگر علاوه بر آن تلاش مفسر را تنها در محدوده‌ی تفسیر واژگان قابل انجام می‌دانند و برخی از معروفین به اخباری‌گری حتی تأویل آیات را نیز جایز می‌دانند. هر یک از این سطوح را باید براساس واقعیت عینی که در آثار معروفین و بزرگان اخباری‌گری به نمایش در آمده است، ارزیابی نمود بویژه اینکه لازم است مواضعی که نسبت به دیدگاه تند این جریان، گرفته شده است، مورد بررسی قرار داد که تا چه اندازه مورد قبول می‌باشد.

۱.۱.۲- اهمیت و ضرورت

ناگفته پیداست که تلاش‌هایی که از هر دوی جریان فکری - حدیثی، موسوم به اخباری و اصولی، صورت گرفته، حاکی از یک هدف مقدس و ارزشمند و آن پاسداری از مکتب شاگردان ناب نبوت، اهل بیت گران قدر رسالت علیهم‌السلام بوده است. اما برخی اقدامات نسنجیده و بدون تحلیل، که در بین برخی از اخباریان ظهور و بروز داشته، چهره‌ی این جریان را در اذهان مخدوش نموده است. حال سؤال اینجاست که آیا این اقدامات، از آنان گروهی منحرف و التقاطی ساخته بود به گونه‌ای که اخباری‌گری یک نوع جمودگرایی است و باید با آن به مبارزه برخاست؛ چنانچه در ادبیات معاصر به چنین فهمی، لقب اخباری‌گری داده می‌شود. تفاوت در اظهارات موافقان و مخالفان این جریان فرهنگی - اجتماعی، به شکلی است که گاهی نمی‌توان بین آنها جمع نمود. یکی از بزرگان هم عصر این جریان، محمد بن شاه مرتضی فرزند شاه محمود، معروف به ملا محسن و مشهور به فیض کاشانی است که به تعبیر علامه‌ی طباطبایی، مردی جامع علوم و کم نظیر و در علوم مختلف دچار خلط و مزج نگردیده است.^۱ وی در خطبه‌ی آغازین کتاب *أصول الأصبیله*، اذعان می‌کند که این اثر را با الهام از صراحت و جسارت امین استرآبادی به رشته‌ی تحریر در آورده است و پی در پی در این کتاب، او را با عنوان *بعض الفضلا* می‌خواند. هرچند که معتقد است ندای بلند و غلو در کلام وی، به خطا و افراط نزدیک شده است.^۲ او در کتاب *الحق المبین* می‌گوید:

آن راه و روشی که من به آن هدایت یافتم ... این بود: عمل کردن به اخبار و طرح و دور گردانیدن راه و روش اجتهاد و رها کردن اصول فقهیه‌ی اختراع شده، واجب است. به جانم قسم که او (محمد امین استرآبادی) در این مسلک و روش به حق رسیده و فاتح و راهنمای ما در این باب است. اما او غلو و افراط در اخبار کرده و گفته، قطع داریم تمام روایات کتب اربعه از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده است و دیگر اینکه نسبت به فقها بدگویی کرده و نسبت فساد و افساد در دین به آنان داده و اضافه کرده چنانچه در اجتهاد خود خطا کنند، مجازات می‌شوند.^۳

۱. سید محمد حسین، حسینی تهرانی، *مهر تابان*، بی جا، باقرالعلوم، بی تا، افسست، ص ۲۶.
۲. محمد بن شاه مرتضی، فیض کاشانی، *الأصول الأصبیله*، تهران، میر جلال الدین حسینی اُرموی، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۴۹ش.
۳. فیض کاشانی، *الحق المبین*، میر جلال الدین حسینی اُرموی، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ق، ص ۱۲.

همانگونه که روشن است این تعابیر از موافقت با او ناشی می‌شود هر چند همانطور که صریح کلام فیض می‌باشد، سخن او را نسبت به جریان اجتهاد، دچار غلو و افراط می‌بیند. البته ناگفته نماند تعبیر به افراطی‌گرایی را نمی‌توان در تمام عرصه‌ها به بزرگان این گروه نسبت داد. بنابراین انتساب افراطی‌گری در بخش تفسیر قرآن، که از سوی برخی نویسندگان معاصر، به این گروه اطلاق شده، مناسب نیست. این نویسنده، با وجود اینکه بر اساس عنوان مقاله‌ای که در این زمینه نوشته است، باید شیوه‌ی تفسیری اخباریان را تشریح می‌نمود، ولی در این بخش تنها با اشاره به روش تأویل، این روش را به غلط، افراطی‌گری آنان می‌خواند.^۱ به هر جهت علی‌رغم اینکه افرادی همچون مجلسی‌ها و فیض و سید نعمت‌الله جزائری و صاحب حدائق و دیگران تحت تأثیر این جریان قرار گرفتند، نگاه بدبینانه به آنان فراگیر است. یکی دیگر از اندیشمندان معاصر، در سخنی پیرامون اصل اجتهاد، مبارزه با اخباری‌گری را الزامی می‌داند و آنان را به تندی، متهم به جمود و خشکی و ضدیت با عقل می‌کند. وی هر چند که نمی‌تواند از شخصیت علمی استرآبادی بگذرد، اینگونه او را نقد می‌کند:

ملا امین استرآبادی که مؤسس این مکتب است و شخصا مردی باهوش و مطالعه کرده و مسافرت رفته بود، کتابی دارد به نام *فوائد المذنبیه*. در آن کتاب با سرسختی عجیبی به جنگ مجتهدین آمده. مخصوصا سعی دارد که حجیت عقل را منکر شود.^۲

از نگاه ایشان، تلاش‌های صورت گرفته از سوی اصولی‌ها در مقابله با این تفکر کافی نیست و باید با روحيات اخباری‌گری، مبارزه جدی تری صورت پذیرد تا رسوبات فکری آنان نیز ریشه کن گردد. هر چند این تحلیل، ناظر به تمام ابعاد تأثیر گذاری نظریات اخباریان است ولی ایشان در خصوص قرآن، نیز امکان سنجی تفسیر قرآن را از نگاه آنان، منتفی می‌داند:

«البته مکتب اخباری در اثر این مقاومت‌ها شکست خورد و الان جز در گوشه و کنارها پیروانی ندارد ولی همه‌ی افکار اخباری‌گری که به سرعت و شدت بعد از پیدایش ملا امین در مغزها نفوذ کرد و در حدود دویست سال کم و بیش سیادت کرد، از مغزها بیرون نرفته، الان هم می‌بینید خیلی‌ها تفسیر قرآن را اگر حدیثی در کار نباشد، جایز نمی‌دانند. جمود

۱. بی تاد، لوسن (B. Todd Lawson)، «رویکردهای اخباریان شیعه به تفسیر»، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، آیین پژوهش، ش ۱۲۵، قم، دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹ش، ص ۵.
۲. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (۲۰)*، تهران، صدرا، دوم، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۹.

اخباری‌گری در بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی و بلکه پاره‌ای از مسائل فقهی هنوز هم حکومت می‌کند.^۱

با وجود چنین تفاوت آشکاری، ضروری است که پیرامون تاریخ و اصالت و مبانی تفسیری آنان تلاشی صورت پذیرد تا اینکه روشن گردد، چرا امثال فیض کاشانی که در تفسیر ید طولایی داشته‌اند، هیچ اشاره‌ای به چنین اشکالی نکرده‌اند؟ آیا نسبتی که مبنی بر مخالفت با ظواهر قرآن به این گروه داده شده درست است؟ البته ما به سخنان آنان در زمینه‌ی اجتهاد و تعامل با روایات نیز به دلیل تقسیمات بحث اشاره خواهیم کرد ولی تمرکز تحقیق در این نوشته، بیرون کشیدن مبانی تفسیری، به ویژه برخورد آنان با ظواهر قرآن می‌باشد.

۱.۱.۳- سؤالات تحقیق

سخن پیرامون اخباری‌گری و سنت‌مداری بسیار مطرح شده و گرایش‌های تند و ملایمی در برخورد با این فرقه یا مکتب حدیثی پدید آمده است. اما آنچه که در این میان قابل بررسی و ارزیابی می‌باشد، این است که آیا این تفکر دارای دیرینگی و اصالت است و یا اینکه آنگونه که ادعا کرده‌اند مربوط به زمان بوده و مضمحل شده است و مانند فرقه‌هایی که اوج و فرودی داشته‌اند، تنها می‌توان از آنان در تاریخ حدیث شیعه، به عنوان یک رویکرد تند حدیثی نام برد.^۲ از سوی دیگر اگر آنان دارای شناسنامه و هویت ریشه داری هستند، در چه بخشی موفق و در چه بخشی ناموفق بوده‌اند؟ آیا می‌توان سطح تمامی افرادی که به عنوان اخباری نامیده می‌شوند را یکسان دانست و یا اینکه در بین آنها تفاوت وجود دارد؟ آیا مرز روشنی بین اخباری و جریان مقابل، موسوم به اصولی، وجود دارد؟ اگر این مرز به شکل خط کشی شده نیست، اختلافاتی که در مبانی هر دو گروه، وجود دارد تا چه اندازه به عمل کشانده شده است؟ آیا نمی‌توان این اختلافات مبنایی را به دغدغه‌های آنان و یا احیاناً تندروی‌های برخی از آنان مرتبط دانست؟ نظر اخباری درباره‌ی تفسیر قرآن چیست؟ آیا اخباری حتی فهم ظاهری و لغوی که لاجرم با دانستن ادبیات عرب از قرآن بدست می‌آید را هم نمی‌پذیرد؟ در سخنان آنان تفاوت بین تفسیر و تأویل روشن است؟ دیدگاه مشهوری که به آنان درباره‌ی نپذیرفتن ظواهر قرآن نسبت داده می‌شود،

۱. همان و مرتضی مطهری، ده گفتار، انتشارات، تهران، ص ۱۳۷۲، هشتم، ص ۱۰۷.

۲. مانند فرقه‌حشویه. برای تحقیق و ریشه یابی از این جریان به کتاب رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، چاپ تهران، نشر علم، به سال ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۵۵۳ تا ۶۰۲ مراجعه شود.

تا چه اندازه به حقیقت نزدیک است؟ آیا آنان هیچ گاه از آیات قرآن بدون بهره گیری از روایات استفاده نکرده‌اند؟ تفاوت‌های دیدگاه تفسیری آنان چگونه ترسیم می‌شود؟ پاسخ به هر یک از این سؤالات گسترده، به پژوهش و مطالعات بسیاری نیاز دارد و ما تنها در بخش تعامل آنان با قرآن، به برخی از این سؤالات پاسخ خواهیم گفت.

۱.۱.۴- فرضیات تحقیق

براساس تحقیقات به عمل آمده اخباری‌گری را نمی‌توان جریانی جدا از تاریخ حدیث شیعه قلمداد کرد بلکه در سده‌های نخستین، چنین گرایشی در بین توده‌ی مسلمانان، در رابطه‌ی با تعامل کتاب و سنت یافت می‌شود. بویژه تقسیم دانش پژوهان حدیثی به عقل‌گرا و نص‌گرا یا تعبیری دیگر نظیر متکلمان و محدثان، بخوبی از حضور چنین تفکری حکایت دارد. شکل‌گیری نهضت علمی در مدرسه‌ی بغداد و از دست رفتن محوریت حدیث در برخی از مباحث، در به حاشیه رانده شدن رویکرد حدیثی این مدرسه، به مدت بیش از نیم قرن، تأثیر بسیاری داشته و عامل مهمی در جلوه‌گری، این منش فکری در قرن یازدهم بوده است. آنچه به عنوان ممنوعیت تفسیر قرآن در نگاه عالم اخباری، شهرت یافته است، در متون و تعبیر بزرگان اخباری دیده نمی‌شود. تفکر اخباری‌گری از سطوح و درجات مختلفی برخوردار است و در برخی از سطوح آن نمی‌توان، آن را از تفکر ناب اجتهادی دور دانست. نحوه‌ی تعامل اخباریان در دو بخش قرآن و حدیث باید از هم تفکیک داده شود. رویکرد بزرگان اخباری، فقهی - حقوقی می‌باشد و در تفسیر قرآن نیز تأثیر گذار بوده است. برخلاف ظاهر برخی از تعبیر تند از سوی برخی از اخباریان، آنان در بیشتر مطالبی که به تفسیر قرآن شهرت یافته است، ساکت و یا با احتیاط برخورد می‌کنند. مهم‌ترین دست‌آورد اخباریان حفظ گنجینه‌ی پر بار حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام و جلوگیری از به فراموشی سپرده شدن این میراث پربرهای شیعه بوده است.

۱.۱.۵- پیشینه تحقیق

خود اخباری‌ها در نوشته‌جات شان از مبانی و اصول خود سخن گفته‌اند که در رأس آن کتاب *فوائد المدینه* استرآبادی است. مقدمه‌ی کتاب *حداثق الناصره بحرانی و اصول الاصلیه* مرحوم فیض نیز در این زمینه نگارش یافته ولی در حوزه‌ی تعامل با قرآن، مقدمات تفسیری *تفسیر الصافی و البرهان* و برخی از دره‌های *الدرر النجفیه*